پیکره
دوره ۱۴، شماره ۴۰، تابستان ۱۴۰۴ صفحه ۷۶تا۹۰

مقاله پژوهشی

آیکونولوژی نقش ایزدبانو و بزکوهی بر سر سنجاق‌های مدور تمدن لرستان

تاج‌الدین گیلانی[۱] اصغر جوانی[۲]

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: gilani1393taj@aui.ac.ir
۲. استاد گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳،۸،۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴،۱،۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۲،۱۳

چکیده

مقدمه: موضوع «مادر» پیوسته از کهن‌ترین سوژه‌های هنری بوده که در آثار به‌جای مانده از تمدن‌های بشری حضور چشمگیر دارد. نقوش ایزدبانوان بر مفرغینه‌های تمدن لرستان نمود و گواه مشابه دیگری بر این مسئله است. از جمله این مفرغینه‌ها، سرسنجاق‌های مدور است که با نقش الههٔ مادر به‌همراه بزکوهی تصویر شده‌اند؛ دلیل بازتاب نقش زن در مرکزیت سر سنجاق‌های لرستان در همنشینی با بزکوهی، پرسش اصلی مقاله حاضر بوده، هدف اصلی این پژوهش کشف کارکردهای نقش زن و بزکوهی بر سر سنجاق‌های مفرغی لرستان با رویکرد آیکونولوژی در سه سطح توصیف، تحلیل و تفسیر است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر تحلیلی از نوع تحقیقات کیفی است و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای واسنادی جمع آوری شده‌اند.

یافته‌ها: در این پژوهش با رویکردآیکونولوژی، ابتدا نقش الههٔ مادر وبزکوهی توصیف شده، سپس با تحلیل آیکونوگرافی، به ارتباط متقابل این دو نقش پرداخته شد که گویای معانی نمادینی چون باروری، زایندگی، آب‌خواهی و بارندگی، برکت و فراوانی نعمت است؛ ودر نهایت با تفسیر نهایی از شواهد مختلف، کارکرد نقش ایزدبانو و بزکوهی به‌عنوان قدرت‌های برتر باران‌خواهی، جادویی، جذب خیر و دفع شر، مادر مثالی، زن زمین و باروری و قدرت‌های سیاسی مرتبط با عصر مادرسالاری نقوش مذکور مشخص گردید.

نتیجه‌گیری: ایزدبانو در مرکز سنجاق مدور لرستان، به‌عنوان عنصر مادینه هستی، مکمل زمین است که در پیوند با بزکوهی نر،خدای مذکر با شاخ‌های مدورارور کننده طبیعت هستند. این دو قدرت برتر انسانی وحیوانی با دفع شر و ایجاد بستری امن و آرام محاط در فرم دایره سنجاق‌ها، پیوند برکت بخش زمین وآسمان را در باور بشر باستانی نشان می دهند.

کلیدواژه

آیکونولوژی، ایزدبانو، بزکوهی، سرسنجاق، مفرغ لرستان

ارجاع به این مقاله: گیلانی، تاج‌الدین و جوانی، اصغر. (۱۴۰۴). آیکونولوژی نقش ایزدبانو و بزکوهی بر سنجاق سر مدور تمدن لرستان. پیکره، ۱۴(۴۰)، ۷۶-۹۰.
DOI: https://doi.org/10.22055/pyk.2025.20018

©2025 by the Authours.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)
https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0

مقدمه و بیان مسئله

ایزدبانوی بزرگ باستانی با نمادهای وابسته، به‌عنوان یک باور مسلط در بسیاری از فرهنگ‌ها مورد پرستش بوده که در زمان‌های کهن متناسب با این باور، آیین‌های متفاوتی در بافت‌های فرهنگی مختلف برگزار شده است. از تمدن کهن لرستان، آثار مفرغی با گونه‌های متفاوتی بر جای مانده که از میان آن‌ها می‌توان به سر سنجاق‌های مدور دارای نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی در ترکیب دایره‌وار با پایه‌ای میله‌ای اشاره کرد. نقش مرکزی سر سنجاق‌ها تصویر زنانی هستند در اشکال و حالت‌های متفاوت که با نقوش حیوانی و گیاهی همنشین هستند. اعتقاد به نیروی مادینهٔ هستی در تمدن لرستان، رنگ و بوی محلی یافته است و با بزکوهی، حیوان اساطیری و بومی این منطقه پیوند خورده و متناسب با عقاید و باورها و نیازهای مردم باستانی این تمدن، به‌عنوان خدایان یاریگر همنشین و قدرت‌های برتر در سرنوشت مردم، تأثیرگذار بوده و باعث برکات فراوان شده‌اند. نقوش باستانی ایزدبانوان موجود بر سرسنجاق‌های مفرغی لرستان، حامل ارزش‌ها و پیام‌های نهادینه‌ای هستند که ریشه در بافت فرهنگی، سیاسی اجتماعی آن دوران دارند. تصویر بزکوهی به‌همراه نقش ایزدبانو بر سرسنجاق‌ها از مؤلفه‌های نمادینی است که به‌صورت مکرر در اشیای مفرغی لرستان بازتاب یافته‌اند. مؤلفه‌های نمادین در نظام نمادین زبانی، به‌شکل کلامی تصویری و یا رفتاری خود را باز می‌نمایند؛ نظام نمادین فرهنگی در اسطوره‌ها از رهگذر زبان در متون و روایات و اساساً از رهگذر تصاویر در آثار هنری به نمایش درمی‌آیند. به‌نظر می‌رسد همنشینی نقوش زنان و بزهای کوهی در ابعاد فکری پیشینیان تصاویر عادی نیستند و در مقام ایزدان پرستش شده‌اند و احتمالاً دارای وجوه متفاوت طبیعی و فراطبیعی بوده‌اند که در سرنوشت بشر گذشته سهم به‌سزایی داشته‌اند و نوعی تأکید بر کارکرد زن و بز در جهان باستانی دارند. درک و دریافت روساخت و ژرف‌ساخت نقش زن و بزکوهی و تعبیر اتصال مفاهیم این دو نقش بر سرسنجاق‌های مدور با دال مرکزی زن، ضروری و الزامی می‌نماید؛ بنابراین هدف این پژوهش تجزیه و تحلیل تصویر زن و بز در سرسنجاق‌های مدور لرستان در لایه‌های متفاوت معنایی است. در این پژوهش با رویکرد آیکونولوژی به تفسیر نقوش مورد نظر به چگونگی تطبیق و تفکیک کارکرد آن‌ها می‌پردازیم. این پژوهش به‌دنبال پاسخگویی به چگونگی پیوند این دو قدرت برتر انسانی وحیوانی با اهداف مشترک وموازی و دلیل بازتاب نقش زن در مرکزیت سر سنجاق‌های تمدن لرستان در همنشینی با بزکوهی است. فهم بینش و باور سازندگان، سفارش‌دهندگان و مخاطبان نقوش مذکور این تمدن با تطبیق و تحلیل و تفسیر معناشناختی، ضرورت این پژوهش است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحلیلی از نوع تحقیقات کیفی و از نظر هدف توسعه‌ای محسوب می‌شود. شیوهٔ گردآوری منابع اطلاعاتی، کتابخانه‌ای و اسنادی است. از بین سرسنجاق‌های مفرغی مدور تمدن لرستان با دو نمونه موردی شماره ۱و۲ متعلق به منطقه سرخ دُم کوهدشت لرستان با نقوش ایزد بانو و بزکوهی هستند که به ترتیب در مجموعه خانوادگی هوشنگ مجبوبیان درلندن و موزه هنر لس آنجلس سبا نگهداری می‌شوند. این دو نمونه با رویکرد آیکونولوژی پانوفسکی به عنوان شیوه‌ای منظم و هدفمند مطابق جدول ۱، در سه سطح مورد بررسی قرار گرفتند. در سطح اول، پیش آیکونوگرافی یا معنای ابتدایی و طبیعی است نقوش ایزدبانو و بزکوهی و ارتباط بصری نمونه‌های موردی توصیف شده است؛ در سطح دوم آیکونوگرافی یا معنای ثانویه و قراردادی با مفاهیم چندوجهی نمادین بزکوهی، ایزدبانوان و ارتباط معنایی آن‌ها در شواهد متنی، تصویری و داستانی مشخص شده است. در

سطح سوم با تفسیر ذاتی و محتوایی نقوش به‌دلیل همنشینی ایزدبانوان با بزکوهی در نظام گسترده‌تر مفاهیم بومی، فرهنگی، ادبی، مذهبی به کشف لایه‌های معنایی روساخت و ژرف‌ساخت نقوش مذکور در تمدن باستانی لرستان پرداخته شده است.

جدول ۱. چارچوب نظری آیکونولوژی اروین پانوفسکی در سه سطح. منبع: نگارندگان.

سطح اول	پیش آیکونوگرافی	توصیف نقوش- حامل معنای اولیه یا طبیعی نقوش
سطح دوم	آیکونوگرافی	تحلیل وادراک معنا - کشف ارتباط معنایی نقوش و بررسی مفاهیم چند وجهی و نمادین آن‌ها
سطح سوم	آیکونولوژی	تفسیر ذاتی یا محتوایی - تفسیر مولفه‌های نمادین در ارتباط با نظام گسترده‌تر و نمادین فرهنگی، بومی، باورهای مذهبی و فلسفی

پیشینه پژوهش

از نظر پیشینهٔ پژوهشی در منابع مختلفی در باب توصیف و تحلیل نقوش سنجاق‌های مفرغی لرستان مطالعات متعددی انجام شده است. با وجود این، بنظر می‌رسد پژوهشی با رویکرد آیکونولوژی به ارتباط نقوش ایزدبانوان با بزکوهی بر سر سنجاق‌های مدور این تمدن انجام نشده است. «محمودی و سودایی» (۱۴۰۲) در مقاله‌ای باعنوان «مطالعهٔ تطبیقی نقشمایهٔ زن در آثار هنری بین النهرین و سرسنجاق‌های لرستان بر اساس کهن‌الگوی یونگ»، باهدف شناسایی رابطهٔ تجسمی ومفهومی نقوش زنان به منظور کشف میراث فکری درتمدن‌های مذکور به این نتیجه رسیده‌اند که نقش زن در هنر لرستان و بین النهرین از بن‌مایه یکسان اسطوره ایزدبانوان در هنر آنان نقش بسته که نماد تجدید حیات، برکت بخشی و اشاعه باورهای جوامع مادرسالارانه است و نشانگر یکسان بودن جوهر درونی آن‌ها و یادآور صورت‌های مثالی یونگ است که همگی بر مبنای ذات و ناخودآگاه مشترک بشری ساخته و پرداخته شده‌اند. «میرزایی رشنو و همکاران» (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی و تحلیل نمادهای باروری در سرسنجاق‌های مفرغی لرستان»با طرح این سوال که نمادهای مرتبط با الهه سرسنجاق‌های برنزی لرستان چگونه ارزیابی می‌شوند به این نتایج رسیدند که علاوه بر تصویر زن نقش‌های دیگری همچون ماهی، انار ،قوچ وگل‌های هشت پر بر روی سنجاق سرها دلالت بر باروری برکت و فراوانی می‌کنند. «سالک اکبری و همکاران» (۱۳۹۸) در مقاله «نشانه‌شناسی نقوش سرسنجاق‌های عصر آهن زاگرس مرکزی» برای پاسخ به چیستی ماهیت نقشمایه‌های به کار رفته بر روی سر سنجاق‌ها به روش نشانه‌شناسی ساختارگرایانه سوسور به این نتایج دست یافته‌اندکه با تقسیم بندی نقشمایه‌ها به گروه‌های همنشین و جانشین سر سنجاق‌ها، شامل سه بخش زنانه، مردانه و انسان شاخدار هستندکه با نیت سه خدای مردانه، زنانه و جهان زیرین اجرا شده‌اند، در بین نقوش مذکور نشانه‌هایی از غلبه خدای زنانه بر مردانه و پیوند این دوخدا وجود دارد. تنها منبع منتشر شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر،توسط «گیلانی» (۱۳۹۷) در پایان‌نامهٔ ارشد با عنوان«آیکونولوژی نقوش ایزدبانوان سرسنجاق‌های مفرغی لرستان در عصر آهن» با هدف شناخت آیکونولوژی نقوش ایزدبانوان سرسنجاق های مدور مفرغی، این نتایج حاصل شده است که قدرت باروری زنان در نقش خدای بانوان، در مرکز سر سنجاق‌ها ، به‌عنوان عنصر مادینه هستی، مکمل زمین هستند و در پیوند با نقوش حیوانی وگیاهی، مفهوم باروری را نشان می‌دهند. قدرت برتر

انسانی ایزد بانو با همراهی نیروهای مافوق طبیعی حیوانات وگیاهان با دفع شر و ایجاد بستری امن و آرام، محاط در فرم دایره سر سنجاق‌ها منجی انسان باستانی در رسیدن به آرزوها، غلبه بر ترس و رفع مشکلات و محدودیت‌های بشر وابسته به طبیعت بوده‌اند. پژوهش حاضر برگرفته از پایان نامه مذکور است و سعی بر آن است که با رویکرد آیکونولوژی پانوفسکی دلایل همنشینی بز کوهی با ایزد بانوان در سر سنجاق مدور تمدن لرستان تحلیل وتفسیر گردد.

مبانی نظری

اصطلاح آیکونولوژی را اولین بار «پانوفسکی» در مقدمهٔ الهام‌بخش کتاب معروفش «مطالعاتی در آیکونولوژی» توضیح داد. وی به‌واسطهٔ بیان فوق‌العاده عالی خود، روشی کاملاً علمی، منضبط و حقیقتاً استوار از تئوری آیکونوگرافی و آیکونولوژی ارائه نمود. پانوفسکی در این کتاب کوشیده است تا میان تعبیر قدیمی آیکونوگرافی به‌عنوان بازنمایی تصویری یک مضمون از طریق یک فیگور و آیکونولوژی به‌عنوان درک و دریافتی فراتر از بازنمایی‌های شمایلی، تمایز قایل شود. وی با تعریف تمایز و افتراق میان مضمون یا معنا و فرم سه مرحله از تفسیر را مشخص کرده است. وی برای دستیابی به معانی نهفته در آثار هنری، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مرتبط با آثار را بررسی نموده و به جستجوی باورهای مذهبی، فلسفی و گرایش‌های گوناگون یک دوره، کشور و ملت پرداخته است (Panofesky, 1972, 16). پانوفسکی به‌منظور کشف لایه‌های پنهان معنایی در آثار هنری، سه مرحله را پیشنهاد می‌دهد. طرح وی با مرحلهٔ توصیف پیش آیکونوگرافی آغاز می‌شود و شامل توصیف تصویر و الگوهای بصری اثر است (Orrelle& Horwitz, 2016)؛ مرحلهٔ دوم تحلیل آیکونوگرافی است که به تصاویر، داستان‌ها و تمثیل‌ها به‌جای بن‌مایه‌ها می‌پردازد. این تحلیل، شناخت نسبت به موضوعات و مفاهیم خاص منتقل‌شده از راه منابع ادبی یا سنت‌های شفاهی را بدیهی می‌انگارد (پانوفسکی، ۱۳۹۶، ۴۴)؛ مرحلهٔ سوم تفسیر آیکونوگرافی است که وی آن را آیکونولوژی نامیده است. آیکونولوژی با ارزش‌های نمادین مستتر در تصاویر در ارتباط است. ارزش‌ها و نمادهای فراگیر که اساس شیوهٔ اندیشیدن یک ملت بر آن بنا شده و فرهنگ و جهان‌بینی افراد جامعه نیز متأثر از آن است (Orrelle & Horwitz, 2016). چارچوب نظری وی به شیوه جدول ۱ است. با روش آیکونولوژی می‌توان به باورها، اعتقادات و اندیشهٔ یک قوم یا ملت که به یاری انبوهی از شواهد با زمینه‌های تاریخی، ادبی و هنری، به هستهٔ اصلی محتوای نقوش که به گونه‌های مختلف تکرار شده، پی برد.

پیش آیکونوگرافی ایزدبانو و بزکوهی

از جمله زیورآلات عصر آهن، سرسنجاق‌های مفرغی مدور هستند که در قبرها و مکان‌های مذهبی مانند معبد سرخ دم کوهدشت واقع در لرستان به‌دست آمده‌اند. بر اساس نظر «موری» سرسنجاق‌های سر پهن مدور این تمدن که از ورقهٔ فلزی و یا مس ساخته شده‌اند مربوط به عصر آهن II هستند (موری، ۱۳۷۹، ۱۰۷). در مرکز سر سنجاق‌های مدور تصاویر بانوانی در ترکیب با نقوش گیاهی، حیوانی، خیالی، هندسی وجود دارد. به عقیدهٔ «گیرشمن»، بعضی از این میله‌ها به یک صفحهٔ مدور منتهی می‌شوند که در مرکز آن شکل سر انسانی برجسته کار شده که باید سر رب‌النوع مادر اقوام آسیایی باشد که از آسیای صغیر تا شوش مورد پرستش بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۱، ۴۸). در تمام دوران کهن، زنان به دلیل ویژگی برتر زایش همواره مقدس بوده‌اند. وجود گستردهٔ نقش زن در مرکزیت سر سنجاق‌های مفرغی مدور، نشان از تقدس بانوان در فلسفهٔ فکری گذشتگان است. انسان

باستانی برای ادامهٔ حیات به زایش زنان و طبیعت وابسته بود. کمبود آب و باران باعث خلاقیت و استفادهٔ او از آهن برای تجارت و امرار و معاش می‌شود. دورهٔ آهن در شرایطی آغاز می‌شود که عمدهٔ سکونتگاه‌های انسان بر اثر خشکسالی از میان رفته است (طلایی، ۱۳۹۴، ۵۵). بنابراین خشکسالی باعث شده است که بشر آن دوره برای بقا و رفع محدودیت‌ها به قدرت‌های برتری مانند ایزدبانوان و نیروهای مافوق طبیعی حیواناتی مثل بزکوهی متوسل شوند و نقوش بی‌شماری از آن‌ها رامتناسب با باورهای خود بر زمینه‌های مختلف تصویرسازی کنند. زمینهٔ سرسنجاق‌های مورد پژوهش تصاویر ۱ و ۲، لوح‌های مفرغی مدوری هستند که نقش چهرهٔ ایزدبانویی از چانه تا پیشانی در مرکز، محاط در دایره، با تکنیک حکاکی برجسته تصویرسازی شده است. در اطراف نقش مرکزی چهار بزکوهی شاخ‌دار در حالت زانو زده در برابر گیاه یا درختی در مابینشان در بالا و پایین تمثال ایزدبانو با سبک واقع‌گرایی دیده می‌شوند. با وجود شاخ‌های بلند بزها در این تصاویر می‌توان گفت که دارای جنس مذکر هستند. ترکیب‌بندی تصاویر مذکور متقارن بوده و چرخش بزهای کوهی گرداگرد نقش مرکزی ایزدبانو تحرکی بصری ایجاد کرده است. فرم خطی و بصری دایرهٔ اطرف ایزدبانو در مرکز سر سنجاق و دور بزهای کوهی می‌چرخد و باعث تحرک در فضای اثر می‌شود که حکایت از روابط معنادار این نقوش است. ساختار کلی نمونه سنجاق‌های موردی از نظر فرم مدور، ترکیب‌بندی، تکنیک اجرا، جنسیت و تعداد عناصر انسانی و حیوانی با هم شباهت دارند. فرم صورت ایزدبانو تصویر ۱، مثلثی شکل است؛ در حالی که در تصویر ۲ به‌صورت دایره نشان داده شده است. نحوهٔ قرارگیری دست و پای بزها در تصاویر متفاوت بوده و نقش درخت یا گیاه یکبار در بالای سر ایزدبانوی تصویر ۱ و چهار بار در تصویر ۲ تصویر شده اند. فرم خطی دایره در تصویر ۲، گرد سر ایزدبانو و بزها دوبار تکرار شده، نقش گل‌های چند پر نقطه‌ای به‌صورت حجم‌های برجستهٔ دایره‌ای در تصویر ۱ دیده می‌شود. برای کشف معنای نقوش و بررسی مفاهیم چندوجهی و نمادین آن‌ها در بخش بعدی، آیکونوگرافی، به جستجوی مفاهیم نمادین نقوش مذکور پرداخته‌ایم.



تصویر ۱. نمونه موردی سرسنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان، با نقش مرکزی ایزدبانو و چهار بزکوهی. منبع: محبوبیان، ۱۹۹۷، ۱۹۲.



تصویر ۲. نمونه موردی سرسنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان، با نقش مرکزی ایزدبانو و چهار بزکوهی. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d.

آیکونوگرافی ایزدبانوان

بشر از زمانی که به‌وجود آمده، همیشه به‌دنبال کشف ماهیت خود بوده و به ستایش آفریننده خود پرداخته است. «ایزدبانو- مادر، کهن‌ترین سوژهٔ هنری انسان است»(توین بی،۱۳۶۲، ۳۵۰). انسان در ارتباط با طبیعت و فرافکنی

رحمت و برکت زمین، از مادر به‌عنوان عنصری ملموس و مادی، دارای لطف و مهربانی، قدرت زایش و تولید نسل، الهۀ مادر را در ذهن خود ساخته بود. «کمبل» معتقد است: انگارۀ الهه با این واقعیت ارتباط دارد که شما از مادرتان زاده شده‌اید (کمبل،۱۳۷۷، ۳۵۰). انسان در عصر آهن با خشکسالی مواجهه می‌شود، برای زنده ماندن خود و طبیعت به قدرت‌های برتری چون خدای بانوان به‌عنوان قدرت‌های پشتیبان طبیعت و حامی گیاهان و حیوانات اعتقاد راسخ دارد. در اساطیر ایرانی، امرداد ایزد مؤنث ،تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی سرور گیاهان است. او گیاهان را برویاند و رمۀ گوسفندان را بیفزاید او می‌کوشد که گیاهان پژمرده نشوند (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۵). نیاز به ازدواج، زیبایی و فرزندآوری ویژگی ذاتی زنان در تمام دوران‌ها بوده که در گذشته برای این بخت و اقبال به الهگان متوسل می‌شدند. یکی از الهگان ایران‌باستان «اشی» بوده که به زنان، زیبایی بخت و توانگری می‌دهد و به خانه‌های آنان برکت می‌بخشد (نیبرگ،۱۳۸۳، ۶۶). در جوامع باستانی ویژگی برتر زایشی زنان ساحتی مقدس تا مقام خدایی به آنان داده چنانکه ارزش‌های نمادین و اساطیری زنان باعث به‌قدرت رسیدنشان در جوامع ابتدایی شده، رهبری گروه را بر عهده می‌گرفتند به‌همین دلایل جوامع مادر سالاری شکل گرفتند. در پندار مردم لرستان، ایزدبانوان، از نیروی برتر و رازگونه برخوردار بودند که رفتار فردی و جمعی قوم و قبیله را متأثر می‌ساخت. عقیده به جادو، استمداد از قوۀ مخفی و مستور در اشیا بی‌جان است؛ بنابراین با اعتقاد بر تأثیرگذاری سرسنجاق‌های منقوش با تمثال ایزدبانوان یا الهۀ مادر جهت جذب امنیت و آرامش، همچنین به‌عنوان شئ تأثیرگذار که دارای قدرت جادویی است سر سنجاق را به‌خود وصل می‌کردند و با نیت‌های گوناگون از آن‌ها بهره‌مند شده‌اند. در عصر باستان در سراسر فلات ایران، مردان و زنان آویزه‌ها و طلسم‌ها را به نیت‌های مختلفی به گردن داشتند (لاهیجی، ۱۳۷۷، ۲۵۰). ایزدبانوان به‌دلایل ساحت مقدسشان دارای مفاهیم: مادر مرکزی، مادینۀ هستی، منشأ خلقت زمین، باروری، عشق، حاصلخیزی، سرسبزی، اکسیر زایندگی و جاودانگی، مرگ، جنگ، رشد و بالندگی، باران خواه و سرچشمه آب حیات و ... بوده‌اند. اعتقاد به قدرت‌های برتر ایزدبانوان باعث شکل‌گیری انواع تصاویر و روایت‌های بی‌شمار در فرهنگ‌های مختلف است که این پندار در لرستان رنگ بوی محلی یافته که شاهد بازتاب تجسمی انواع آن بر مفرغ‌ها وسر سنجاق‌های باستانی این تمدن هستیم. تصویر ایزدبانو در مرکز سر سنجاق‌های مفرغی مدور به نقش مهم و مرکزی زن در دایرۀ هستی و زندگی اجتماعی تا قدرت خدای‌گونگی آن دارد که در پیوند با بزکوهی ایفای نقش می‌کند برای درک و دریافت ژرف‌ساخت پیوند این دو قدرت برتر علاوه بر آیکونوگرافی بزکوهی، به تحلیل شواهد تصویری و روایت‌های داستانی خواهیم پرداخت.

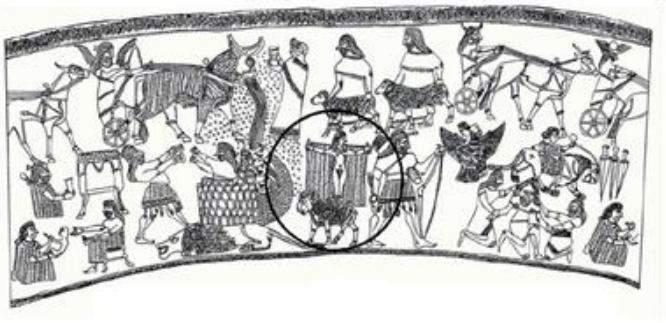
آیکونوگرافی بزکوهی

شاخ بز نر مظهر نیروی فوق طبیعی ،الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زاد و ولد و باروری است. در باورهای اساطیری ایران از آنجا که بز نر دارای هیبت مردانه و قدرت جنگاوری است، قابل تطبیق با بهرام ایزد مبارز و قدرتمند است. در بهرام یشت آمده است: «بهرام اهوره آفریده به کالبد قوچ دشتی زیبایی با شاخ‌های پیچ در پیچ به دیوان یورش می‌برد» (پورداوود، ۱۳۵۶، کردۀ ۸، بند ۲۳). بزکوهی نر با شاخ‌های تیز وجنگنده می‌تواند پیکرگردانی و تجلی حیوانی بهرام باشد. این حیوان با قدرت رهبری گله، دارای ماهیت مردانه است. ایزدان شاخ‌دار مظهر جنگجویی، باروری و هم ارباب حیوانات به‌شمار می‌روند. به‌نظر «کمبل» بز شاید نماد قدرت مذکر باشد (کمبل، ۱۳۷۷، ۴۷). ارتباط ماه با جزر و مد، طوفان و باران، رابطه آن را با رستنی‌ها تقویت می‌کند. شاخ‌های مدور بزکوهی که شبیه به هلال ماه هستند به عقیدۀ مردم لرستان، در نزول باران مؤثر بوده اند؛ به‌طوری

که تصویر این حیوان به تلقین و تأثیر عقاید جادویی و یا مذهبی بارها در کنار چشمه‌ها مصور شده‌اند. نقش بزکوهی با شاخ‌های بلند و پرپیچ شاهکار هنرمندان مفرغ ساز لرستان است و تخیلات خود را نیز در آن دخیل کرده‌اند. در باورهای قومی و اساطیری بز نمادی آسمانی است که زمین را به کیهان مرتبط می‌کند. «جابز» معتقد است: بز یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی است که بز شاخ‌دار نیز نامیده می‌شود. بزکوهی نیز رب‌النوع ماه است (جابز، ۱۳۷۰، ۲۳-۲۵). هر جا بزکوهی دیده می‌شود، نشان از آب و گیاه است. در بیشتر آثار هنری، آناهیتا در قالب بزکوهی تجسم شده است. در مفرغ‌های لرستان بزکوهی در کنار آناهیتا آمده و یادآور ایزدباروری ،آب و آبادانی است (افضل طوسی، ۱۳۹۱). در بسیاری از تمدن‌ها بزکوهی با کارکردهای متفاوت همنشین ایزدبانوان است. در فرهنگ‌های یونان بز به‌همراه ایزدبانوان یا در نقش ایزدبانو در مفهوم عشق و دوستی نشان داده شده است. در پرستشگاه آفرودیت آتن ایزدبانو را به گونه بز نر نشسته نمایانده بودند (ژیران، ۱۳۸۲، ۱۵۰). بزکوهی سمبل قدرت و جنگاوری بارها در کنار گیل‌گمش بر زمینهٔ مفرغ‌ها تصویر شده است. به‌گفته «حاتم»: هنرمندان برای این که قهرمانان خود را متشخص، باهوش‌تر، جنگجو و نابغه نشان دهند برای آن‌ها شاخ‌هایی تعبیر کرده‌اند (حاتم، ۱۳۷۴) مردم باستان به تأثیرگذاری نیروهای خیر و شر بر زندگی خود بسیار اعتقاد داشتند؛ بنابراین حیواناتی مقدس شمرده می‌شدند که به‌شکل جادویی در سرنوشت آنان تأثیرگذار بودند. بز کوهی در بسیاری از نقوش مفرغ‌ها کارکرد آیینی و اسطوره‌ای دارد و بارها درکنار ایزدبانوان و گیل‌گمش، اسطورهٔ مورد علاقهٔ این تمدن تصویر شده است. اینگونه به‌نظر می‌رسد که خدای بانوان در امورات جوی و باران‌زایی و قدرت‌های جادویی وجه مشترکی با بزکوهی داشته‌اند، در خویشکاری‌های خود با بزکوهی پیوند خورده‌اند. هم‌پیوندی این حیوان مقدس با ایزدبانوان بر سر سنجاق‌های مدور متناسب با باورها و آیین‌ها تصویرسازی شده‌اند. همنشینی بز با مفاهیم قدرت برتر مذکر و نشانه‌های آب و باران با ایزدبانوان که خود نیز حامی چشمه‌ها وآب‌ها بودند، نشان از ارتباط هدفمند نقوش مذکور دارد؛ بنابراین تصاویر بزکوهی و ایزدبانو به‌عنوان دو قدرت برتر انسانی و حیوانی در سرسنجاق‌ها نمود یافته‌اند.

شواهد تصویری ایزدبانو و بزکوهی در تمدن‌های باستانی

ایزدبانوان و نمادهای وابسته به زایش و باروری در ایران و تمدن‌های باستانی مورد پرستش بوداند. جام حسنلو از آثار کهن به‌دست آمده از تمدن ایران است که پیوند تنگاتنگ ایزد بانو و قوچ را نشان می‌دهد. در بخشی از این جام، ایزدبانویی با دستانی گشوده بر پشت قوچی نشان داده شده است. در تصویر ۳، بالای سر ایزدبانو دو خدمه دو گوسفند را شاید برای قربانی یا آیینی دیگر هدایت می‌کنند. قربانی کردن حیوانات شاخ‌دار از جمله قوچ و بز برای جلب رضایت خدایان از آیین‌های کهن ایران‌باستان بوده است.



تصویر ۳. طرح گسترده جام حسنلو، با تصاویری آیینی از انسان و حیوان. منبع: Kouzehgari, 2021.

در مهر استوانه‌ای تمدن شهداد، تصویر ۴، بانویی مشاهده می‌گردد که گیاهانی از بدن آن روییده است و پیکره آن بر روی دو بزکوهی نر شاخدار قرار دارد و بزها سر را به‌طرف ایزدبانو چرخانده‌اند. این تصویر رویش و زایش گیاهان را به‌واسطهٔ دو قدرت برتر انسانی و حیوانی نشان می‌دهد. مهرهای استوانه‌ای مکشوفه از شوش تصویر ۵ و ۶ ایزدبانوانی بر گردهٔ بزی نشسته‌اند و پاهایشان را برپشت بز- ماهی دیگری نهاده‌اند. تصاویر دیگری از بانوان در این ترکیب وجود دارند که یکی از آن‌ها با ماهی ترکیب شده است که نشان‌دهندهٔ ارتباط ایزدبانوان و بزکوهی با آب است. در قطعهٔ مفرغی دیگری از تمدن لرستان، تصویر ۷ ایزدبانوی برهنه‌ای با دستان خود سینه‌هایش را می‌فشارد و بر روی سرش یک بزکوهی وجود دارد. شیرافشانی ایزدبانوان مرتبط با آیین‌های باروری است. این تصویر، گواه مناسبی جهت ارتباط ایزدبانوان و بزکوهی در مفرغ‌های تمدن لرستان در معنای نمادین با زایش و آب است.



تصویر ۴. مهر استوانه‌ای تمدن شهداد با تصاویری از ایزدبانو و بزکوهی. منبع: Hakemi, 1997, 661.



تصویر ۵. مهر استوانه‌ای تمدن شوش با تصاویری از ایزدبانو و بزکوهی. منبع: Amiet, 1972, 35 .



تصویر ۶. مهر استوانه‌ای تمدن شوش با تصاویری از ایزدبانو و بزکوهی. منبع: Amiet, 1972, 35.



تصویر ۷. قطعه مفرغی تمدن لرستان، با تصویری از ایزدبانو و بزکوهی. منبع: گیرشمن، ۱۳۷۱، ۴۰.

تصویر ۸ چهرهٔ ایزدبانویی در مرکز سرسنجاق مدوری را نشان می‌دهدکه در اطراف آن بزهای کوهی بالدار گرداگرد بانو به‌صورت دوران منقوش گشته‌اند. در باور مردم تمدن لرستان بز عزیز و مقدس بوده و آن را در مقام فرشتهٔ باران پرستش می‌کردند. پیوند بز و ایزدبانو در این تصویر علاوه بر مفاهیم مافوق طبیعی نشان‌دهندهٔ خوش‌یمنی و خوش‌اقبالی است. در تصویر ۹ نمونهٔ دیگری جهت همراهی بز با ایزدبانویی بر روی مفرغ مدوری دیده می‌شود که بانویی در حال زایمان است و تأکید بر مفهوم زایش را نشان می‌دهد و بز به‌عنوان خدای محافظ و یاری‌رسان، همنشین اوگشته و نقش مفهومی بز در ارتباط با باروری در این تصویر نشان داده شده است. تصویر ۱۰ ایزدبانویی در مرکز سر سنجاقی را نشان می‌دهند که تعدادی بزکوهی و اسب او را همراهی می‌کنند. بسیاری از پادشاهان اسب و حیوانات شاخ‌دار را برای الهگان قربانی می‌کردند (بهار، ۱۳۷۸، ۲۴۹) متناسب با نیاز انسان، نقوش معانی مختلفی در همنشینی با ایزدان تداعی می‌کنند و ممکن است در این تصویر بز و اسب نقش مشترکی در پیوند با این بانو داشته باشند. تصویر ۱۱ نیز بانویی در مرکز سر سنجاق، با همنشینی تعدادی بز و گیاه نشان می‌دهند، حیات وابسته به آب، زایش و باروری گیاهان وجه مشترک خود را با بز و ایزدبانو نشان می‌دهند. تصویر ۱۲ ترکیب بزکوهی را با سفال نشان می‌دهد، تهی بودن سفال از جنبهٔ محافظت و نگهداری آب با ایزدبانوان و بز مرتبط می‌شود. تصاویر ۱۳ و ۱۴ بزکوهی و ایزدبانو را جدای از هم نشان می‌دهند که به‌دلیل اهمیت این دو قدرت نمونه‌های فراوانی از آن‌ها در زمینه‌های متفاوت هنر مفرغی لرستان وجود دارند. تقدس نقوش مذکور با اهداف مشترک باعث پیوند آنان می‌شود. آنچه در این تصاویر دیدیم، تأکیدی بر دوقدرت انسانی- ایزدبانوان و حیوانی- بزکوهی بود که در ترکیب و زمینه‌های مختلفی خلاقانه توسط هنرمندان به وجود آمده‌اند. بزکوهی در نقش حیوان ارزشمند قربانی شونده، بارور کننده، محافظت کننده، فرشته و حیوان خوش‌یمن و حاجت دهنده که در نزول باران هم مؤثر بوده، همنشین و یاریگر ایزدبانوان می‌شود. در باور سازندگان و مخاطبان این آثار، نقوش ایزدبانوان به‌عنوان محافظ آب‌ها و بزکوهی در نقش فرشته باران رابطه‌ای تنگاتنگ با هم داشته‌اند و به‌دنبال محیطی امن و آرام پر از خیر و برکت، دور از شر و در آرزوی خوشبختی انسان بوده‌اند تا باعث آسایش و آرامش انسان شوند و خیر و برکت و باروری را به زندگی و طبیعت هدیه کنند.



تصویر ۸. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو و چهار بزکوهی بالدار. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d



تصویر ۹. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو در حال زایش و بزکوهی. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d



تصویر ۱۰. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو بزکوهی و حیوانات. منبع: گدار، ۱۳۵۸، ۷۷.



تصویر ۱۱. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو، بزکوهی و گیاهان. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d.



تصویر ۱۲. ریتون سفالی با نقش بزکوهی. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d



تصویر ۱۳. سر سنجاق مفرغی میله‌ای تمدن لرستان با حجم بزکوهی. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d



تصویر ۱۴. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو. منبع: گیرشمن،۱۳۷۱، ۳۳۷

شواهد ادبی ایزدبانو و بزکوهی درتمدن لرستان

۱. روایت محلی دخترتَرال: در باورهای مردم لرستان که دامدار و کشاورز بودند، داستانی است با عنوان «فرشتهٔ وارو و دیو حُشکی (فرشتهٔ باران و دیو خشکی)» که تأثیر نقش زنانه بر باران‌زایی و مبارزه با خشکسالی تأکید دارد. در این داستان دختر تَرال، فرشتهٔ باران بعد از هفت‌سال خشکسالی بر مردم ده نازل می‌شود تا پیام مادرش فرشته باران را که هفت‌سال است در آسمان با دیو خشکسالی «پوشا» در جنگ است به مردم برساند. فرشتهٔ باران از مردم خواسته تا روی بلندی‌ها بروند، ساز و دهل بزنند، هیاهو کنند تا پوشا دیو را بترسانند و راه ابرها را به‌طرف دریا باز کنند. دخترک خود با چق چق دو سنگ که در بلندی بر هم می‌کوبد به کمک مادر بر دیو خشکسالی پیروز می‌شود و باران می‌بارد و از آن زمان تاکنون مردم ده مهراب به پاس خدمت دختر ترال فرشته باران، هر ساله در آن مکان ساز و دهل می‌زنند. این عقیده تاکنون در نزد اقوام لر حفظ شده در سال‌های خشکسالی جهت ریزش باران بر بلندی‌ها می‌روند و هیاهو می‌کنند تا ترال فرشته بتواند «پوشا» دیو خشکسالی را شکست دهد و باران بر زمین ببارد (عسگری عالم، ۱۳۹۱، ۳۸۱-۳۸۳) این داستان بازنمودی از آیین‌های باران‌خواهی توسط ایزدبانوان دوران اساطیری در تمدن لرستان بوده است که با گذشت هزاره‌ها در دل تاریخ هنوز در باور مردم این دیار باقی مانده است؛ بنابراین می‌توان تصور کرد که تصاویر الاهه‌های سرسنجاق‌های لرستان که مرتبط با زنان بوده‌اند در ارتباط با آب و باران و باران‌خواهی و باروری باشند و به این منظور به معابد به‌عنوان لوحه‌های نذری هدیه داده شده‌اند یا اینکه به‌عنوان اشیا جادویی بر بدن خود دخیل بسته‌اند.

۲. روایت محلی دختر دال:دختر دال(دال در زبان لری به معنی عقاب است) داستانی شفاهی در بین مردم لرستان است. داستان دختری که از تخم بیرون می‌آید و در لانهٔ عقابی پرورش یافته، دوشیزه‌ای در کمال زیبایی می‌شود. شاهزاده‌ای عاشقش می‌شود و سعی می‌کند به‌هر قیمتی که شده به او دست یابد. پیرزنی از طرف شاهزاده مأمور شده او را به دام اندازد. پیرزن با حیلهٔ سربریدن بزکوهی و پخت آن بر آتش، دختر دال را به دام می‌اندازد. او خود را در حین ذبح بز، به ناتوانی می‌زند و دختر دال که شاهد نادانی پیرزن است، از غار بیرون می‌آید و برای پیرزن بز را سربریده، دباغی کرده و می‌پزد. پیرزن دامن دختر دال را با میخ به زمین می‌کوبد و او را به قصر شاهزاده می برد؛ اما در میانهٔ راه، پیرزن دختر دال را بر درختی می‌بندد و دختر زشت‌رویش را به‌جای او تقدیم شاهزاده می‌کند. دختر دال توسط شیری در جنگل خورده می‌شود. دو قطره خون از دختر دال بر زمین می‌ریزد و دو نی هفت رنگ از آن می روید. چوپان شاهزاده که گله را برای چرا آورده، نی‌ها را می‌بیند و با یکی از آن‌ها نی‌لبکی می‌سازد که به‌هنگام نواختن آوایی عجیب می‌سراید. روزی چوپان نی‌لبک را در حضور شاهزاده می‌نوازد و شاهزاده از مکر پیرزن آگاه می‌شود. چوپان شاهزاده را به تماشای نی‌های سحرآمیز هفت رنگ می‌برد که قطری به‌اندازهٔ کمر انسان دارند. او با شمشیر نی سالم را می‌شکافد و دختر دال را از آن بیرون می‌آورد با او ازدواج می‌کند (فیروزمندی و همکاران، ۱۳۹۱). این داستان نمونهٔ بارزی جهت ارتباط زن و بزکوهی در افسانه‌های لرستان است؛ چرا که دختر دال، الههٔ باروری بومی و محلی خاص منطقهٔ زاگرس و بالاخص لرستان است که رنگ و بویی منطقه‌ای و محلی، از جمله در شیوهٔ معیشتی و قربانی کردن حیوانی مثل بز به‌خود گرفته است. حیوانی که برای نخستین‌بار در زاگرس اهلی شد و از آنجا که پایه و اساس خوراک، پوشاک و مسکن زاگرس‌نشینان بود و به‌واسطهٔ اهمیتی که برای این موجود قائل بودند، در اعتقادات و مذهب آنان نیز تأثیر گذاشت.

۳. روایت محلی داستان داطلا: داستان داطلا و دیو از جمله داستان‌های ادبیات لرستان است که در آن، زنی با نیروی زنانه خود بر بدی‌ها پیروز می‌شود. داستان دربارهٔ نره دیوی است که در یک غاری و نزدیک شهر پاطاق

زندگی می‌کند و هر روز از احشام شهر پاطاق ارتزاق می‌کند، مردم پاطاق حسابی از دست نره دیو در عذابند. مردان قدرت جنگیدن با این دیو را ندارند. در این بین، پیرزنی به اسم داطلا قول می هد که دیو را برای مردم شهر دستگیر کند. داطلا با دوکی و مقداری پشم خود را به غار رسانده و منتظر دیو می‌نشیند. دیو با دیدن داطلا قصد خوردن او را دارد که داطلا با حیله او را متقاعد می‌کند که کدبانویش بشود و دیو قبول می‌کند. شبی که دیو خسته به خانه برمی‌گردد و بعد از خوردن غذایش زود می‌خوابد با ریسمانی که از پشم تنیده است او را محکم می‌بندد اسیرش می کند و بردیو غلبه می‌کند (عسگری عالم، ۱۳۹۱، ۴۸۶-۴۸۹). این داستان به‌قدرت جادویی بانوان تمدن لرستان در دفع شر اشاره دارد و یادآور ستیز ایزدبانوان با نیروهای مخرب در باورهای اساطیری است. در این راستا نمونهٔ تصویر ۱۵تسلط بانویی برحیوانات را در لوح مفرغی سر سنجاق مدوری می‌بینیم که با ژرف‌ساخت این داستان پیوند دارد.



تصویر ۱۵. سر سنجاق مفرغی مدور تمدن لرستان با نقش مرکزی ایزدبانو و چهار بزکوهی بالدار. منبع: Los Angeles County Museum of Art, n.d.

آیکونولوژی ایزدبانو و بزکوهی

در باورهای باستانی بزکوهی شاخدار خدای مذکر آسمانی قلمداد می‌شود که کارکردهای مختلفی از جمله، قربانی شونده، بارورکننده، محافظت کننده، حیوان خوش‌یمن و حاجت‌دهنده و در مقام فرشته باران با ایزدبانوان پیوند می‌خورد و در سر سنجاق‌های مفرغی نمود تصویری بیشتری دارد. نقوش مذکور از مفهوم طبیعی فراتر رفته و جنبهٔ الهی و ایزدی پیدا می‌کنند. داستان دختر دال بازنمودی از اسطوره الههٔ مادر در تمدن لرستان است که قربانی‌شدن دختر دال و بز در کنار رودخانه، همچنین رویش مجدد گیاه نی از خون قربانی و پیوند مجدد دختر دال با پسر شاهزاده، نمایشی از مرگ و تولد، قدرت زایش و باروری توسط ایزدبانوان و الاهگان باروری با بزکوهی به‌همراه دارد. در روایت بومی‌دختر ترال فرشته باران نام گرفته است و برای مقابله با دیو خشکسالی اپوش و باران‌آوری با کوبیدن سنگ‌ها بر هم سعی بر جلب توجه ابرها دارد. زندگی مردم باستانی که به آب بستگی داشت برای این ضرورت، در باورهای خود از قدرت‌های برتر استمداد می‌گرفتند. در تصاویر ۵، ۶، ۷ الگوی نشستن یک زن بر گردهٔ بزکوهی و نشانه‌هایی از آب را می‌بینیم. بزکوهی بارها در کنار چشمه‌ها و بر روی سفال‌ها نقش بسته است، با توجه به کارکرد باران‌خواهی ایزدبانوان و فرشتهٔ باران در داستان بومی دختر ترال و نقش مشابه بزکوهی در باران‌آوری می‌توان به قدرت آب خواهی نقوش سر سنجاق مورد پژوهش پی برد. پس می‌توان تصور کرد که بزکوهی را به‌عنوان قدرت یاریگر ایزدبانوان، به‌عنوان جانشین دخترترال، فرشتهٔ باران بنامیم؛ چنانکه در تصویر ۸ بزکوهی در اطراف ایزدبانو همچون فرشتهٔ بالدار تصویر شده است. بنابراین در ژرف ساخت تصویر ومفهوم بزکوهی سر سنجاق مدور مورد پژوهش با دختر ترال باران‌آور قابل تطبیق است. استمداد از قدرت برتر زنان برای از بین

بردن نیروهای مخرب طبیعت از باورهای بازماندۀ عصر مادر سالاری است. ساختار درون‌متنی داستان مذکور داطلا، به مفهوم مادر بزرگ ارزشمند به‌قدرت برتر زن در شکست دیو، نیروی مخرب و شر طبیعت اشاره دارد. شاید بتوان عنوان زن- شاه یا زن- قهرمان به داطلا نسبت داد که دارای قدرت سیاسی و اجتماعی عصر خود بوده است. زنان دارای قدرت، جهت آرامش بشر باستانی در عصر مادرسالاری با نیروهای شر در ستیز بوده‌اند. در تصویر ۱۵ دو حیوان در دستان بانویی نمود یافته‌اند که تسلط و قدرت ایزدبانوان لرستان را نشان می‌دهند. در عصر مردسالاری قهرمانی چون رستم به جنگ با اکوان دیو و نیروهای شر می‌رود، این وظیفه در روایت بومی داطلا برعهدۀ بانویی بوده است، آیا تصویر قهرمان زن سرسنجاق مذکور همان داطلا نیست؟ آیا دیو شکست خورده یا نیروهای شر در این روایات ادبی و تصویری همان دیو خشکسالی نیستند؟ که در این راستا با توجه به نقوش نمونه‌های موردی این تحقیق، بانوی قهرمان جهت دفع شر و باران‌خواهی از قدرت برتر و مفید بزکوهی استمداد می‌طلبد .با کشته شدن نیروهای شر و دیو خشکسالی، بزکوهی فرشته باران ظهور می‌کند. این وظیفۀ قهرمان زن عصر باستانی لرستان بوده که بازتاب این عقیده با کارکرد دفع شر و جذب نیروی خیر آب و باران بر سرسنجاق‌ها نمود یافته است. با تفسیر طبیعی نقش زن و بزکوهی بر سر سنجاق مورد تحلیل، شاید نقش مرکزی، بانوی اشراف‌زاده‌ای است که سفارش دهندۀ حکاکی تصویر خود، در کنار بزکوهی بوده و تصویر زن را زن- شکارچی بنامیم و بز را خارج از باورهای اسطوره‌ای همان شکار مرسوم بدانیم که با این تحلیل کارکرد اقتصادی بز به‌عنوان منبع غذایی برای ما روشن می‌شود. از طرف دیگر اگر زن را نشانۀ زمین و بزکوهی را خدای مذکر بدانیم، همنشینی نماد آسمانی و زمینی در کنار هم یعنی خدای مذکر (بز) و مؤنث (ایزدبانو) سبب آفرینندگی و باروری هستی می‌شوند که نشان‌دهندۀ کارکرد مثالی زن- زمین و بز- آسمان به‌عنوان خالقان طبیعت هستند. ایزدبانو و بزکوهی در فرم دایره سرسنجاق موردی نمود یافته‌اند. این ترکیب‌های دایره‌وار قابل تأمل هستند و با دلایل مافوق‌الطبیعی به‌وجود آمده‌اند. «هینلز» بر این باور است که ایرانیان باستان جهان را همواره مانند بشقابی گرد فرض می‌کردند (هینلز، ۱۳۸۸، ۲۹). فرم مدور سر سنجاق‌ها باشاخ‌های مدور بزکوهی و زمین قابل تطبیق بوده و با مفهوم دایره که نماد ایزدبانوان است، هماهنگی دارد. در نماد شناسی باستانی دایره نماد ایزدبانو به‌شمار می‌آمد (Golan, 1991, 13). در تصاویر سرسنجاق‌های مورد تحلیل بزکوهی خدای مذکر و نرینگی با شاخ های مدور به‌عنوان خدای خیر، شجاع، دلیر، بارور کننده و یاری‌رسان در اطراف ایزدبانو خدای مؤنث سمبل زمین آفریننده را که نمومۀ مثالی خالق هستی است، فراگرفته و از او محافظت می‌کنند. چرخش دایره در ترکیب بزهای کوهی، گرداگرد ایزدبانو مفهوم زمان را القا می‌کنند و یادآور چرخش کیهانی اجرام آسمانی هستند. نقش ایزدبانو که در مرکز سرسنجاق تصویر شده به‌قدرت برتر مادینه خالق هستی اشاره دارد که با بزکوهی قدرت مذکر پیوند خورده و نقوش مذکور به‌عنوان دو رب النوع و یا دو قدرت برتر انسانی و حیوانی به‌دلیل اهمیت مافوق‌الطبیعی که دارند محاط در دایرۀ هستی در محیطی امن و آرام به نفع بشر باستانی در جهت برآورده شدن افکار، عقاید و آرزوهای مردم تمدن لرستان به‌وجود آمده‌اند.

نتیجه‌گیری

ایزدبانوی بزرگ باستانی با نمادهای وابسته، به‌عنوان یک باور مسلط در بسیاری از فرهنگ‌ها مورد احترام و پرستش بوده است. خدای بانو در تمدن لرستان، رنگ و بوی محلی یافته است و با بزکوهی، حیوان اساطیری و بومی این منطقه پیوند خورده و متناسب با عقاید، باورها و نیازهای مردم باستانی تمدن لرستان به‌عنوان خدایان همنشین

و مؤثر در سرنوشت مردم تأثیرگذار بوده‌اند. ایزدبانوان با نیروی جادویی بر دیو خشکسالی غلبه کرده و با دفع شر و ایجاد بستری امن و آرام محاط در فرم دایره، با یاریگری بزکوهی خدای جنگاور و تصویر زمینی ماه به جذب خیر و باران به بشر باستانی سود رسانده‌اند. قدرت باروری زن در نقش ایزدبانو، در مرکز فرم دایره سرسنجاق‌ها، به‌عنوان عنصر مادینه هستی و مکمل زمین، در کنار بزکوهی با شاخ‌های مدور، خدای مذکر بارورکننده و سمبلی آسمانی، در دایرهٔ هستی پیوند زمین وآسمان را درفرم مدور سر سنجاق مفرغی نشان می‌دهند. با تأسی از روایت بومی داطلا دلیل دیگر مرکزیت تصویر زن در سر سنجاق، به‌قدرت مرکزی برتر سیاست و جامعهٔ زنان در باورهای عصر مادر سالاری اشاره دارد و همچنین نقش مذکور در مرکز سر سنجاق‌ها به زن- شاه، زن- قهرمان یا شاهزاده بانوی شکارگر بزکوهی به‌عنوان منبع اقتصادی مورد توجه بوده است. تصاویر بی‌شمار بزکوهی: فرشتهٔ باران در مفرغ‌ها و سر سنجاق‌ها در همنشینی با ایزدبانوان قابل تطبیق با روایت دختر ترال الههٔ باران با کارکرد آب‌خواهی است. با توجه به نقش حیاتی باران به‌عنوان نیروی سرنوشت‌ساز در زندگی گذشتگان و شواهد بومی، داستانی، تصویری و تحلیلی، همنشینی بزکوهی با ایزدبانوان به‌عنوان نگاهبانان آب‌ها و چشمه‌ها بر سرسنجاق مدور لرستان، فرض باران‌خواهی نقوش مذکور به‌عنوان خدایان چشمه و آب، دو قدرت برتر انسانی و حیوانی حامی آب، در باور باستانی مردم لرستان بیشتر تصدیق می‌شود.

مشارکت‌های نویسنده

این مقاله برگرفته از پایان نویسنده اول در رشته نقاشی، با عنوان «آیکونولوژی نقوش ایزدبانوان بر سر سنجاق‌های مدور مفرغی تمدن لرستان در عصر آهن» با هدایت نویسنده دوم در دانشگاه هنر اصفهان است.

تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد قدردانی و تشکر است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Discourse
2. Hegemonic

منابع

- افضل طوسی، عفت السادات. (۱۳۹۱). گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان. *فصنامه علمی- پژوهشی نگره*، ۷(۲۱)، ۵۵-۶۷.

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۵). *تاریخ اساطیری ایران* (چاپ هشتم). انتشارات سمت.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۸). *پژوهشی در اساطیر ایران*. نشرآگه.
- پانوفسکی، آروین. (۱۳۹۶). *معنا در هنرهای تجسمی* (مترجم ندا اخوان مقدم). چشمه.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۵۶). *یشت‌ها* (جلد ۱). دانشگاه تهران.
- توین بی، آرنولد. (۱۳۶۲). *تاریخ تمدن* (مترجم یعقوب آژند) (چاپ اول). نشر مولی.
- جابز، گروترود. (۱۳۷۰). *سمبل‌ها (کتاب اول حیوانات)* (مترجم محمدرضا بقاپور) (چاپ اول). مترجم.
- حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۴). نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران. *فصلنامه هنر*، (۲۸)، ۳۵۵-۳۷۸.
- ژیران، فلیکس. (۱۳۸۲). *اساطیر یونان* (مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور). کاروان.
- سالک اکبری، محمدحسین، هژبری نوبری، علیرضا و افهمی، رضا. (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی نقوش سرسنجاق‌های عصر آهن زاگرس مرکزی. *پژوهش‌های باستان شناسی ایران (نامه باستان شناسی)*، ۹(۲۳)، ۷۱-۹۰.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۴). *باستان شناسی پیش از تاریخ بین النهرین* (چاپ چهارم). سمت.
- عسگری عالم، علی مردان. (۱۳۹۱). *افسانه‌ها و باورداشت‌های غرب ایران* (چاپ اول). نشر آروَن.
- فیروزمندی، بهمن، رضایی، مهدی و جودی، خیرالنسا. (۱۳۹۱). روایتی محلی از اسطوره «الهه باروری» در لرستان. *زن در فرهنگ و هنر*، ۴(۲)، ۲۵-۴۳.
- کمبل، جوزف. (۱۳۷۷). *قدرت اسطوره* (مترجم عباس مخبر) (چاپ سوم). نشر مرکز.
- گدار، آندره. (۱۳۵۸). *هنر ایران*(بهروز حبیبی) (چاپ اول). انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۱). *هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی*.(مترجم عیسی بهنام.) انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیلانی، تاج الدین. (۱۳۹۷). *آیکونولوژی نقوش ایزد بانوان سرسنجاق‌های مفرغی لرستان در عصر آهن* (پایان نامه ارشد نقاشی). دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- لاهیجی مهرانگیز کار، شهلا. (۱۳۷۷). *شناخت هویت زنان ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ* (چاپ اول). نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- محمودی، ماندانا و سودایی، بیتا. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی نقش مایه زن در آثار هنری بین‌النهرین و سرسنجاق‌های لرستان بر اساس کهن الگوی یونگ. نگره، ۱۸(۶۷)، ۴۳-۲۲۹. DOI: https://doi.org/10.22070/NEGAREH.20200.14814.2826
- موری، پی. آر.اس. (۱۳۷۹). *زیرخاکی‌های مفرغی قدیم ایران* (مترجم علی داراب بیگی) (چاپ اول). نشرکرمانشاه.
- میرزایی رشنو، محمد و بیرانوند، یوسف علی. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل نمادهای باروری در سرسنجاق‌های مفرغی لرستان. نشریه زن در فرهنگ و هنر، ۱۱(۱)، ۴۷-۶۳. Doi: https://doi.org/10.22059/jwica.2019.278426.1248
- نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۸۳). *دین‌های ایران باستان* (مترجم سیف الدین نجم آبادی). دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- هیلنز، جان راسل. (۱۳۸۸). *شناخت اساطیر ایران* (مترجم ژاله آموزگار و احمد تفضلی) (چاپ اول). چشمه.
- Amiet, P. (1972). *GlyptiqueSusienne, Memoires De La DelegationArcheologique En Iran*. Tome XLIII.
- Golan, A. (1991). *Myth and Symbol, Symbolism in Prehistoric Religion*. Schoen Books.
- Hakemi, A. (1997). *Archaeological Excavations of a Bronze Age Center I Iran*. ISNEO-ROME.
- Kouzehgari, Z. (2021). A new approach to the Hasanlu gold bowl: Interpreting its weapons depictions. Figure 3. Drawing of the scenes depicted on the Hasanlu Gold Bowl.
- Los Angeles County Museum of Art. (n.d.). Disc-headed pin [Bronze object, Luristan, Iran, ca. 1000–650 BCE]. LACMA Collections. https://collections.lacma.org
- Mahboubian, H. (1997). Art of Ancient Iran(copper and bronze). The Hoshang Mahboubian Family Collection , Philip Wilson.Portland street London Win 5FB.
- Orrelle, E. & Horwitz, L.K. (2016). The pre- iconography, iconography and iconology of sixth to fifth millennium BC Near Eastern incised bone. *Time and Mind*, 9(1), 30 42.
- Panofesky. E. (1972). *Studies in Iconology: Humanistic Themes in the Art of Renaissance*. Rutledge.